

پرسش ۸۴۰: امام کجا است؟ ذکرش در قرآن کجا است؟ و پرسش‌هایی از صاحب دعوت حق

السؤال / ۸۴۰: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

انا من أهل السنة والجماعة ولي صديق يدرس معي واخبرني عن الامام المهدي (الذي لا اؤمن به) صراحة لكن صديقي كلمني عنه كثيرا وصفاته تشبه صفات الرسول صلى الله عليه وسلم وانا اريد ان اتبع الحق بصراحة.... سؤالي اين الامام واين مذكور في القران وهل هو رسول الله؟ مع العلم ان محمد صلى الله عليه وسلم اخر الانبياء والرسول..وشكراً.

Fasale - امريكا

سلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

من از اهل سنت و جماعت هستم و دوستی دارم که با من درس می‌خواند و به من در مورد امام مهدی (که به او ایمان ندارم) به صراحت خبر داده است. دوست من در مورد ایشان بسیار سخن گفته و اینکه ویژگی‌های او مشابه ویژگی‌های رسول خدا(ص) است. من به صراحت می‌گویم که می‌خواهم از حق پیروی کنم.... پرسش من این است: امام کجا است و کجای قرآن ذکر شده و آیا او همان رسول الله است؟ با توجه به اینکه حضرت محمد(ص) آخرین پیامبر و فرستاده می‌باشد.... متشکرم.

Fasale - آمریکا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم
تسليماً.

و عليكم السلام ورحمة الله وبركاته... العقيدة تثبت بدليل من القرآن
وبدليل من السنة المطهرة، وفي الحديث الشريف الصحيح قال رسول الله
(صلى الله عليه وآله): **«يقتل عند كنزكم هذا ثلاثة كلهم ابن خليفة، ثم لا يصل إلى
واحد منهم، ثم تقبل الرايات السود من قبل المشرق، فيقتلونكم قتلا لم
يقتله قوم - ثم ذكر شيئاً - فإذا رأيتموه فبايعوه ولو حبوا على الثلج، فإنه
خليفة الله المهدي.»**

و عليكم السلام ورحمت الله وبركاته... عقیده با دلیلی از قرآن و با دلیلی از سنت
پاک ثابت می شود. در حدیث شریف صحیح، رسول خدا (ص) می فرماید: «نزد این
گنج شما سه تن کشته می شوند که همگی، فرزند خلیفه هستند و به هیچ یک از آنها
نمی رسد. سپس پرچم های سیاه از سوی مشرق می آیند و با شما جنگی می کنند که
هیچ گروهی (به آن صورت) نجنبیده اند - سپس چیزی ذکر فرمود - وقتی او را دیدید، با
او بیعت کنید، حتی اگر سینه خیز بر روی برف ها باشد؛ زیرا او خلیفه ی خداوند، مهدی
است.»

فرسول الله (صلى الله عليه وآله) يسمي المهدي خليفة الله وهذا يعني ينطبق
عليه ما انطبق على كل خلفاء الله سبحانه الذين نصبهم الله جل و علا من
آدم (عليه السلام) إلى أن يرث الله الأرض ومن عليها، وفي قصة آدم المذكورة
في سورة البقرة يبين الحق سبحانه قانون معرفة خليفة الله وهذا القانون
يتألف من ثلاث فقرات:

بنابراین رسول الله (ص) مهدی را خلیفه ی خداوند نامید. این به آن معنا است که هر
آنچه بر خلفای خداوند سبحان منطبق می باشد، بر ایشان نیز منطبق می گردد؛ همان

کسانی که خداوند جل و علا ایشان را منصوب فرموده است؛ از آدم (ع) تا آن هنگام که خداوند زمین و هر آنچه در آن است را به ارث بَرَد. در داستان آدم که در سوره‌ی بقره ذکر شده، خداوند سبحان قانون شناخت خلیفه‌ی خداوند را بیان می‌کند. این قانون از سه بخش تشکیل شده است:

الأولى: النص (الوصية).

اول: نص (وصیت).

ثانياً: العلم الإلهي.

دوم: علم الهی.

ثالثاً: الدعوة إلى بيعة الله ورفع راية حاكمية الله، فالقرآن بين الأسس التي بها يعرف كل خليفة لله، والمهدي (عليه السلام) بالحديث الصحيح الوارد اعلاه هو خليفة الله، فهو ينطبق عليه ما انطبق على خلفاء الله الذين سبقوا في مسألة إثبات حقهم في أممهم.

سوم: دعوت به سوی بیعت برای خداوند و بالا بردن پرچم حاکمیت خداوند. قرآن، پایه و اساسی که با آن هر خلیفه‌ی خداوند شناخته می‌شود را بیان می‌کند. مهدی (ع) در حدیث صحیحی که در بالا ذکر شد، خلیفه‌ی خداوند است؛ پس بر ایشان هر آنچه بر خلفای پیشین در خصوص اثبات مسئله‌ی حقانیت‌شان بین امت‌هایشان منطبق بوده، قابل انطباق می‌باشد.

أما قوله تعالى: (فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ) [الذاريات: 23] فهي شهادة لخليفة الله في كل زمان وهي كما جرت في

رسول الله (صلى الله عليه وآله) وحتى في الرسل السابقين تجري في اللاحقين، وللأسف كما جعلت الأمة في ذلك الزمان رسولها يقسم على أنه الحق فكذلك فعلت في هذا الزمان، وهناك ملاحظة ينبغي أن تلتفت لها أيها الأخ وهي أن الحق ينبغي أن يكون هو هدفك وغاية بحثك وعليك أن لا تقيم الحق بميزان الطائفية الجاهلي البغيض، بل يعرف دليل الحق بما أوصى رسول الله (صلى الله عليه وآله) الأمة التمسك بهما وضمن لها عدم الضلال مع التمسك وهما كتاب الله وعتره النبي (صلى الله عليه وآله) وما عداهما فهو زخرف، فمن تمسك بهما هدي إلى صراط الحق ومن تركهما ضل.

اما سخن خداوند متعال: (پس سوگند به پروردگار آسمانها و زمین که این سخن حق و حتمی است، آنچه آن زمان که سخن می گوید) [الذاریات: 23]. این همان گواهی و شهادت به خلیفه‌ی خداوند در هر زمان است و همان طور که در مورد رسول الله (ص) و حتی در فرستادگان پیشین در جریان بوده، در افراد بعدی نیز در جریان می‌باشد و با کمال تأسف همان طور که در آن زمان امت در اینکه فرستاده حق است، پراکنده شدند، در این زمان نیز چنین می‌کنند. برادر من! در اینجا نکته‌ای وجود دارد که باید به آن، دقت کنی؛ اینکه باید هدف و نهایت تحقیق تو، حق باشد. بر تو لازم است که حق را براساس ملاک طایفه‌گری جاهلانیه بغض‌آلود اقامه نکنی؛ بلکه دلیل حق را از طریق آنچه رسول خدا (ص) به آن سفارش فرموده تا امت به آن تمسک جویند، بشناسی که با تمسک به آن، گمراه‌نشدن را تضمین کرده است. این دو، کتاب خداوند و عترت پیامبر (ص) می‌باشند و به غیر از این دو، باطل است. هر که به آن دو تمسک جوید، به راه حق هدایت و هر که آن را ترک کند، گمراه می‌شود.

أما الآية الثانية فهي تبين أن صاحب الآذان هو خليفة الله أي هومن يدعو الناس إلى الحق، والحج هو القصد أي أدعهم إلى الحق كي يأتوك أنت يا خليفتي ويجددوا معك العهد والميثاق وتجديد العهد معك هو تجديد للعهد معي، ولذلك الآية تقول (يأتوك) أنت يا خليفتي المؤذن، ولذا الناس

اليوم عندما تأتي للحج فهي غافلة عن أنها إنما تأتي لتجديد البيعة لخليفة الله، ومن هو اليوم خليفة الله الذي أمر الناس ببيعته؟؟

اما آیهی دوم بیان می کند که صاحب اذان و ندا، خلیفه‌ی خداوند است؛ یعنی او کسی است که مردم را به سوی حق دعوت می کند. حج، همان قصد کردن است؛ یعنی ایشان را به حق دعوت کن تا ای خلیفه‌ی من، به سوی تو بیایند و عهد و میثاق با تو را تجدید کنند که تجدید عهد با تو، همان تجدید عهد با من است. به همین جهت آیه می گوید (يَأْتوكَ) (به سوی تو بیایند)؛ به سوی تو، ای خلیفه‌ی اذان گوی من. به همین دلیل، وقتی امروز مردم به حج می آیند، از این غافل هستند که فقط برای تجدید بیعت با خلیفه‌ی خداوند می آیند و امروز خلیفه‌ای که مردم به بیعت با او دستور داده شده‌اند، چه کسی است؟؟

خليفة الله اليوم هو المهدي الذي ندعوكم له، وإن شئت الاستزادة
فيمكنك زيارة موقع أنصار الإمام المهدي (عليه السلام) وعنوانه: <http://vb.al-mehdyoon.org>

امروز خلیفه‌ی خدا همان مهدی است که شما را به سوی او دعوت می کنیم. اگر
بیش تر خواستی، می توانی از سایت انصار امام مهدی (ع) به آدرس <http://vb.al-mehdyoon.org> دیدار کنی.

أما كون رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله) خاتم النبيين فنعم ولكنه ليس
آخر المرسلين، نعم لا نبي بعد محمد (صلى الله عليه وآله) ولكن هذا لا يعني أن لا
رسول بعد محمد (صلى الله عليه وآله) فهناك انظر في هذه الرواية الواردة في
مصادركم عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أنه قال: [إن الله عز وجل يبعث
لهذه الأمة على رأس كل مئة سنة من يجدد لها دينها] وهل هذا المبعوث
إلا رسول، ولكن ما اختلف هو أن الارسال المباشر من الله سبحانه ختم

**بمحمد (صلى الله عليه وآله) ومن محمد (صلى الله عليه وآله) فتح باب الارسال، أي
الارسال بأمر الله ومن محمد (صلى الله عليه وآله) فأوصياء محمد (صلى الله عليه وآله)
الذين ذكرهم في وصيته التي أشار لها ابن عباس في حديث رزية
الخميس هم رسل رسول الله (صلى الله عليه وآله) إلى يوم القيامة.
والحمد لله وحده وحده وحده.**

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)
الأستاذ زكي الأنصاري - رجب المرجب/1432هـ ق

اما اینکه حضرت محمد رسول خدا (ص) خاتم پیامبران است، بله؛ ولی ایشان
آخرین فرستاده نیست. آری، هیچ پیامبری پس از حضرت محمد (ص) نیست، ولی این
به آن معنا نیست که هیچ فرستاده‌ای پس از حضرت محمد (ص) نباشد. به این روایت
که در منابع شما و از رسول خدا (ص) روایت شده است، دقت کن. ایشان می‌فرماید:
«خداوند عزوجل برای این امت رأس هر صد سال، کسی را مبعوث می‌کند که دینش را
تجدید نماید». آیا این شخص مبعوث شده، جز اینکه فرستاده‌ای باشد می‌تواند چیز
دیگری است؟ ولی آنچه تفاوت دارد این است که فرستاده شدن به طور مستقیم از
سوی خداوند سبحان، با حضرت محمد (ص) به پایان رسیده و با حضرت محمد (ص)
درب فرستاده شدن باز شده است؛ یعنی فرستادن به دستور خداوند و از سوی
محمد (ص). اوصیای محمد (ص) - همان کسانی که آنها را در وصیتش که ابن عباس
در حدیث رزیه الخمیس به آن اشاره کرده، ذکر فرموده است - فرستادگان رسول
خدا (ص) تا روز قیامت می‌باشند.
والحمد لله وحده وحده وحده.

هیئت علمی انصار امام مهدی (خداوند در زمین تمکینش دهد)
استاد زکی انصاری - رجب المرجب/1432هـ ق

